

کیهان

شناخت راه راست از راه کُز و پایداری در آن، به معنای شناخت کمال و حرکت در راستای دستیابی به آن است؛از این رو، هرگاه از استقامتِ ساختن به میان می‌آید، چیزی جز پایداری در مسیر کمالی نیست؛ زیرا آدمی به طور فطری جز به کمال و دوری از نقص نمی‌اندیشد و اگر در موردی و یا مواردی شخصی در مسیر کمالی حرکت نکند از دو حال خارج نیست: یا در تطبیق مقصد اشتباه کرده و به خطا امری ناقص و غیر کمالی را کمال یافته و یا از فطرت خویش دور افتاده و از حالت شخصیت معتدل و سالم بیرون رفته که به سوی نقص گرایش یافته‌ است. استقامت و پایداری بدان معناست که شخص همواره در مسیر شناخت کمال و عمل بدان حرکت کند و هیچ‌چیز او را از مسیر کمالی دور نسازد. این مسئله از نظر قرآن بسیار اهمیت دارد و آیات چندی به اهمیت و جایگاه ارزشی آن پرداخته‌ است.از جمله در آیه ۷ سوره توبه مومنان را موظف می‌کند

آثار و کارکردهای استقامت

برای شناخت اهمیت و جایگاه استقامت از نظر فرهنگ قرآنی بهتر است که نخست به آثار و کارکردهای آن توجه شود، زیرا یکی از راه‌های شناخت اهمیت و ارزش هر کاری توجه به آثار و کارکردهای آن در حوزه‌های مختلف و از منظرهای متفاوت است. از این رو، پیش از بررسی علل و عوامل ایجادی و بقایی استقامت به آثار و کارکردهای آن توجه داده می‌شود.

براساس آیات ۳۰ و ۳۱ سوره فصلت، از آثار استقامت و پایداری بر دین این است که خداوند گروهی از فرشتگان خاص را در خدمت شخص قرار می‌دهد تا نسبت به اعمال خویش استقامت ورزیده و از بینش و نگرش خود دست برندارد و از تهدیدهای دشمنان نهراسد و از زمزمه‌های کینه‌توزانه آنان نترسد و خود را نوازد و با تک و تمک و کمک در خدمت خداوند باقی‌ماند

بر اساس آیات ۳۰ و ۳۱ سوره فصلت، از آثار استقامت و پایداری بر دین این است که خداوند گروهی از فرشتگان خاص را در خدمت شخص قرار می‌دهد تا نسبت به اعمال خویش استقامت ورزیده و از بینش و نگرش خود دست برندارد و از تهدیدهای دشمنان نهراسد و از زمزمه‌های کینه‌توزانه آنان نترسد و خود را نوازد و در مسیر نقص قرار نگیرد.

این نکته در آغاز این نوشتار لازم است توضیح داده شود که استقامت به عنوان یک فضیلت اخلاقی و ارزش هنجاری و منش نیک مورد توجه است. بنابراین استقامت در حوزه امور اکتسابی مطرح است و شخص باید در یک فرآیندی یا آموزش‌های خاص آن را پدید آورده و در خود تقویت کند.

آرامش‌یابی

یکی از آثاری که خداوند برای استقامت در مسیر کمال بیان می‌کند دستیابی به آرامش است. آرامشی که در اینجا مطرح است دربرگیرنده آرامش روحی و روانی در دنیا و آخرت و امنیت در دو جهان است. کسی که در مسیر کمال قرار دارد و به خداوند ایمان داشته و باورهای خویش را براساس آموزه‌های وحیانی شکل بخشیده و بینش و نگرش وی همان بینش و نگرش وحیانی است، نسبت به گذشته خود هیچ اندوه و پشیمانی و به آینده ترس و نگرانی ندارد؛ زیرا در مسیر کمال حرکت می‌کند و به لافلانۀ نایل می‌شود و در کنار کمال مطلق و در ساحل جنب الله آرام می‌گردد و تلاش وی در نهایت به پروردگاری می‌رسد که در اوج بی‌نهایت کمالی قرار دارد.

استقامتی که این‌گونه و با این شرایط و خصیصاتی باشد زمینه نزول فرشتگانی را فراهم می‌آورد که او را در مسیر کمالی‌اش یاری می‌سازند و قلبش را تقویت کرده و رفتارها و اعمالش را مدیریت می‌کنند.

(فصلت آیه ۳۰)

خداوند در آیه ۱۳ سوره احقاف بیان می‌کند که تنها فرشتگان برای کمک و یاری او فرو فرستاده می‌شوند تا او را نسبت به اندوه گذشته و ترس از آینده برهانند بلکه خداوند خود، او را ربوبیت کرده و به طور مستقیم، او را از هر ترس و حزنی می‌هند. تأکید بر ربوبیت مستقیم الهی بدان معناست که چنین اشخاصی مورد توجه خاص خداوندی هستند و از نعمت فضل و رحمت خاص برخوردار می‌باشند.

یاری فرشتگان و امدادهای الهی

براساس آیات ۳۰ و ۳۱ سوره فصلت، از

که در مسیری کمالی خویش و پایبندی به هنجارهای اجتماعی پایداری ورزند و نگاراند تا چیزی آنان را نسبت به هنجارهای اجتماعی بی‌توجه ساخته و به بی‌تقوایی بکشاند.اگر در این آیه با توجه به هنجارهای پسندیده عقلایی اجتماعی سخن از استقامت و پایداری و وفای به عهد و پیمان‌ها حتی نسبت به کافران و مشرکان سخن رفته‌است در آیه ۱۰۴ سوره‌نساء نیز بر ارزشمندی و اهمیت پایداری و استقامت بر ایمان تأکید شده‌است که بیانگر این نکته‌است که پایداری و استقامت در همه حوزه‌های کمالی از باورهای راستین و رفتارها و کردارهای اجتماعی موافق اصول عقلانی و شرعی امری پسندیده بلکه واجب از نظر شرعی است.

با توجه به ارزش و اهمیت استقامت و استواری در راه خدا، این نوشتار به بررسی علل و عوامل ایجاد و بقای استقامت پرداخته و به آثار و کارکردهای آن اشاره می‌کند.



اِنَّ الَّذِیْنَ قَالُوا رَبَّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا
تَنْزَلَ عَلَیْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ

در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست پسبای استنادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند.

(فصلت:۲۰)

استقامت در راه خدا

و آثار آن

محمداحسان آزادی

و شخص تنها خشنودی الهی را در نظر داشت و چون دستیابی به جامعه برتر ایمانی و ساخت ندیای بهتر، وظیفه و تکلیف الهی بشر است که در صورت موفقیت نیز رستگار خواهد بود، چنان‌که در صورت شکست رستگار بوده است. بر این اساس خداوند در آیه ۴۵ سوره انفال رستگاری را از آثار و پیامدهای طبیعی استقامت برمی‌شمارد که معنا و مفهوم آن این است که شخص مومن و پایدار در هر حال رستگار می‌شود.

جنب محبت خدا

یکی دیگر از آثار استقامت جلب محبت دوستی خداوند است.اگر بپذیریم که مراد از استقامت و پایداری در فرهنگ قرآنی تنها

کسی که در مسیر کمال قرار دارد و به خداوند ایمان داشته و باورهای خویش را براساس آموزه‌های وحیانی شکل بخشیده و بینش و نگرش وی همان بینش و نگرش وحیانی است، نسبت به گذشته خود هیچ اندوه و پشیمانی و به آینده نیز ترس و نگرانی ندارد.

پایداری در مسیر کمالی و حق است و اینکه انسان در مسیر کمالی با آموزش و پرورش، خود را به این مرحله از شخصیت می‌رساند که

یکی از اصطلاحات مهم امروزی در ساحت جنگ‌های تزکییی، جنگ اراده است. در جنگ اراده هدف آن استست که اراده طرف دیگری سست یا حذف شود تا جایی که دشمن نتواند تهدید احتمالی یا فعلی از خود بردد؛ بلکه اراده حریف خویش را تابع اراده دیگری کند؛ پس تن به همه خواسته‌های طرف غالب و بیروز بدهد.

جنگ میان کافران و مومنان را باید به یک معنا جنگ اراده‌دانست؛ زیرا کافران تنها به جنگ اراده مومنان نیامده‌اند تا اراده آنان را از میان برند و آنان را تابع اراده خویش در آورند، بلکه در باطن به جنگ اراده الهی آمده‌اند؛ زیرا مومنان بر این باورند که مشیت و مثبت اراده دیگری تابع مشیت و اراده الهی است (تکویر، آیه ۲۹؛ انسان، آیه ۲۰)؛ چرا که مومنان در اوج تقوای کامل و تمام، همه چیز خود را به خدا تفویض می‌کنند و امور خویش را به دست خدای علیم حکیم عزیز می‌سپارند.(غافر، آیه ۲۴) تا جایی که قول و فعلشان همان قول وفعال الهی است که مورد رضایت الهی می‌باشد.(تجم، آیات ۳ و ۴، انفال، آیه ۱۷)

وقتی در مسئله جنگ اراده‌ها میان کافران دقت و تأمل می‌شود، این حقیقت باطنی و ملکوتی آشکار می‌شود که این جنگ اراده‌ها نه میان مومنان و کافران است. از نظر قرآن، در جنگ اراده‌ها این خداست که پیروز میدان غلبه می‌کند و آن را به تسخیر خویش در می‌آورد.

همچنین کافران بر این باورند که شکست مومنان در هر شکلی از جمله جنگ اراده‌ها، به معنای شکست خدا است؛اگر مومنان شکست بخورند در حقیقت خدا شکست خورده است؛ زیرا مومنان معتقدند که خدا سرپرست و یاور آنان است و آنان جز ولایت مطلق الهی به

معروف و نهی از منکر و یا ستیز با کافران و

معاندان تعریف می‌شود. (همان آیات) از نظر قرآن بهترین فرمانده کسی است که هم خضر راه دل باشد و هم طالوت جدال با جالوت. بنابراین کسانی که شیران روز و پارسیان شب هستند و در مقام حکمت و دانش از دانش رشدی خفزی برخوردارند و در سیاست و جنگ مدیریت کامل دارند بهترین اشخاصی برای مدیریت جامعه هستند و این‌گونه است که عرفان قرآنی بر خلاف تصوف هندسی و عرفان مسیحی و یونانی و رومی جامع دین و دنیا و فرد و جامعه است. چنین اشخاصی بر قول ثابتی هستند که زندگی دنیا را بی هیچ گسستگی به زندگی آخرت پیوند می‌زنند (ابراهیم آیه ۷۲) و فرشتگان حق همواره بر ایشان نازل می‌شوند(نحل آیه ۲۰۱ و فصلت آیه ۰۳)

در حالی که استقامت و پایداری شخصی آسان و پایدارسازی دیگران جزو محالات است آنان با امداد غیبی این مسئولیت را با توکل و عنایت خداوندی به پایان می‌رسانند و درستی از عهده آن بر می‌آیند.

عوامل ایجاد و بقای استقامت

چنان که گفته شد استقامت و پایداری در شخص امری اتناسبی و از منش‌هایی است که در یک فرآیند در آدمی ایجاد می‌شود و همواره نیازمند علل و عوامل ایجادی و بقایی است.

در آیات قرآن، هم به علل ایجادی و عوامل تحقق آن و هم به علل بقایی و تثبیتی آن اشاره شده است. از جمله علل ایجادی که خداوند در قرآن بدان اشاره می‌کند شناخت و بینش درست و باوری قوی است که در آیه ۹۳۱ سوره آل عمران بدان اشاره شده است. از دیگر عوامل تقصد به انجام اعمال صالح است. قرآن برمسئله عمل صالح بسیار تأکید می‌کند. شب‌زنده‌داری (مزم‌سل آیات ۱ تا ۰۱) دعا و تضرع (بقره آیه ۱۰۲ و آل عمران آیات ۶۴۱ و ۷۴۱)، امید به نصرت خداوند (نساء آیه ۴۰۱)، توکل (آل عمران آیه ۲۲۱) و دیگر اعمال نیک و نگرش سالم و درست است که موجب تحقق استقامت در آدمی می‌شود و برای بقای آن می‌بایست همواره بر توکل

قرآن بر مسئله عمل صالح بسیار تأکید می‌کند. شب‌زنده‌داری، دعا و تضرع، امید به نصرت خداوند و دیگر اعمال نیک و نگرش سالم و درست است که موجب تحقق استقامت در آدمی می‌شود و برای بقای آن می‌بایست همواره بر توکل و امدادهای غیبی و عنایت‌های خاص و یادآوری و ذکر توجه داشت.

خویش بر اساس توحید و کمالات توحیدی می‌باشند (اعراف آیات ۸۸ و ۸۸) و در کردارها و منش خویش جز هنجارها را مورد توجه قرار نمی‌دهند. (یس آیات ۳۱ تا ۹۱ و ۱۷ و هود آیات ۵۲ تا ۵۳ و ۲۱۱)

برای آنان همان اندازه که جهاد با نفس و تقویت پایداری و استواری بر بینش و نگرش توحیدی و کمالی مهم و اساسی است که به خودسازی می‌پردازند تا در مسیر و سلوک کمالی خویش به مقام ربانین برسند (بقره آیات ۹۴۲ تا ۱۵۲) همچنین در جهاد بیرونی و جهاد اصغر نیز چنین هستند و هرگز دست از استقامت و پایداری برنمی‌دارند و در مقابله با دشمنان حريم هنجارها و اصول اخلاقی و ایمانی ایستند و برای دستیابی یگانگی و به آزادی و استقلال و امنیت از جان و مال خویش مایه می‌گذارند (آل عمران آیه ۲۵۱ و ۶۴۱ و ۸۲۱ و ۱۲۱ و انفال آیه ۵۱ و ۶۱). در نظر ایشان پایداری و استقامت، هم باید از جهاد جهاد با نفس باشد که در حوزه ایمان به خدا یعنی می‌شود و هم درحوزه جهاد با منکرات و اهل آن باشد که در حوزه امر به

هیچ چیزی توکل و تکیه و اعتماد ندارند؛ پس اگر مومنان شکست بخورند، این خدا است که شکست خورده است؛ زیرا اگر خدایی باشد، ولایت و نصرتی تا سوی او به مومنان می‌رسد، پس چرا مومنان شکست خورده‌اند و خدا به داد و فریاد آنان نرسیده است؟؟ پس شکست مومنان خود دلالت بر شکست خدا دارد و اینکه اصلا خدایی نیست و اگر بود و ولایت و نصرتی داشت به یاری مومنان و بندگانش می‌شتافت. پس وقتی در مسئله جنگ اراده‌ها میان

خدا بیان می‌کند که دشمنان حضرت ابراهیم(ع) اراده کرده بودند تا با کید و مکر خویش آن حضرت را با آتش نابود کنند؛ اما اراده آنان در برابر اراده الهی کارآمدی نداشت بلکه این اراده الهی بود که در جنگ اراده‌ها آن حضرت سالم از درون آتش بیرون آمد و این‌گونه اراده آنان تحت اراده الهی به خسران و زیان آنان تبدیل شد.(انبیاء، آیات ۶۹ و ۷۰)

دقیق علمی خود، شکست قطعی مومنان را پیش‌بینی کرده بودند، خود گواه روشنی است و این جنگ اراده‌ها در جنگ اراده‌ها غالب بوده و این اراده الهی است که اراده کافران را به شکست کشانده است و کافران از جایی که به گمان و محاسبه نمی‌آوردند، شکست را تجربه کردند و مومنان از جایی که گمان دشمن نمی‌رفت به پیروزی رسیدند.(شعرا، آیات ۶۱ تا ۶۳ توبه، آیه ۲۵ و ۲۶)

از نظر آموزه‌های قرآنی، اگر خدا به چیزی اراده کند، هیچ اراده‌ای در برابر او مقاومت نخواهد کرد. از همین رو، اگر خدا اراده کرده باشد تا چیزی تحقق یابد، هیچ اراده دیگری نمی‌تواند جلوی قضای الهی را بگیرد. اگر خدا اراده کرده تا چیزی به مومنان برسد، اراده دشمن کارا نخواهد بود و نمی‌تواند جلوی خیر الهی را بگیرد؛ چنان‌که اگر خدا اراده کرده شرتی به کسی برسد، هیچ کسی نمی‌تواند آن را بخرد و اگر خدا اراده کند(مزم، آیه ۳۸) خدا بیان می‌کند که دشمنان و کافران طبق محاسبات

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۳ آذر ۱۴۰۱

۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ – شماره ۳۳۱۷۶



چراغ راه

بدون صبر کارها تباه می‌شود!

قال الامام علی(ع): «الصبر فی الامور، بمنزله الرأس من الجسد، فاذا فارق الرأس الجسد، فسد الجسد، و اذا فارق الصبر الامور، فسدت الامور».

امام علی(ع)، نقش صبر در کارها، همانند نقش سر در بدن است، همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن از بین می‌رود، صبر نیز هرگاه همراه کارها نباشد، کارها تباه می‌گردند.^(۱)

۱- هیچ‌البلاغ، حکمت ۲۸۸



حکایت خوبان

حلم و بردباری در چه مواقعی ضروری است؟

امام صادق(ع) می‌فرماید: بردباری چراغ راه خداست... پنج چیز است که حلم و بردباری می‌طلبد:

۱- شخص عزیز باشد و خوار شود- ۲- راستگو باشد و نسبت ناروا داده شود- ۳- که حق دعوت کند و سبکش بشمارند ۴- بی‌گناه باشد و اذیت شود- ۵- حق طلبی کند و با او مخالفت کنند.اگر در هر پنج مورد، به حق رفتار کنی، بردبار واقعی هستی.^(۱)

امام علی(ع) می‌فرماید: مومن در گرفتاری صبور و منافع در گرفتاری بی‌تاب است.^(۲)

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۲۲، ح ۶۱

۲- تحفالعقول، ص ۲۱۲



پرسش و پاسخ

رابطه صبر و ظفر

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام چه رابطه‌ای میان صبر و حوصله و ظفر و موفقیت وجود دارد، و آیا صرف استعداد برای دستیابی به پیروزی و موفقیت کافی است؟

پاسخ:

دیدگاه‌های مختلف برای کسب پیروزی و موفقیت پیروزی و موفقیت، آن محبوب و معشوق عمومی است که همه افراد بشر در هر رشته و مقام که هستند، وسيله و راه رسیدن به آن جست‌وجو می‌کنند. بدیهی است که هر کسی محبوب و مطلوبی دارد و آرزوی رسیدن به آن محبوب، همواره دل او را زنده نگه می‌دارد، و دل‌مانا در اندیشه‌اش است که چه وسيله‌ای او را یاری خواهد کرد که پیروز و موفق شود و به محبوب و مطلوب خود برسد.

۱- بخت و شانس

افراد جامعه در تشخیص راهکارها و عوامل رسیدن به پیروزی و موفقیت یکسان نیستند. کسانی که هیچ‌گونه واقع‌بینی در آنها نیست و با وهم و خیال می‌خواهند به اهداف خود برسند، خیال می‌کنند یگانه چیزی که یاید به کمک بدیهی است که هر کسی محبوب و مطلوبی دارد و آرزوی رسیدن به آن محبوب، همواره دل او را زنده نگه می‌دارد، و دل‌مانا در اندیشه‌اش است که چه وسيله‌ای او را یاری خواهد کرد که پیروز و موفق شود و به محبوب و مطلوب خود برسد.

اما اگر بدبخت و بدشانس به دنیا آمده باشد، هیچ چیز قادر نخواهد بود او را خوشبخت سازد. نه علم، و نه ایمان، و نه عمل صالح، و نه اخلاق و ملکات فاضله به هر راه راست و صراط مستقیمی که قدم بگذارد، از بخت بد و سیاه مانند سایه همراه او است، و نمی‌گذارد به نتایج دلخواه خود برسد. به گمان این اشخاص هیچ قدرتی در جهان قادر نیست که خوشبخت را بدبخت و بدبخت را خوشبخت نماید. این دیدگاه یک خیال و توهم شیطانی است، زیرا نه عقل مسئله بخت و شانس و تصادف را به رسمیت می‌شناسد و نه آموزه‌های وحیانی اسلام. خداوند احدی را خوشبخت یا لذات و بدبخت یا لذات نیافریده است. قرآن کریم می‌فرماید: ما بشر را از نطفه‌ای آفریدیم که ترکیبی از استعدادهای مختلف است(انسان-۲) بنابراین همه‌گونه استعداد در آدمی هست و همه گونه راهی به روی او در این جهان باز است. او آزاد و مختار آفریده شده، و این مسئولیت خود انسان است که باید راه را درست تشخیص بدهد و درست عمل کند تا تسکون بخشد!

۲- تاکید بر عوامل خارجی وجود انسان

برخی دیگر تکیه خود را روی عوامل موجود می‌انازند، ولی در میان عوامل موجود، خود را فراموش می‌کنند، و فقط دیگران را به حساب می‌آورند. چشم طمع به دیگران دارند، و با توسل به ارتباط و عوامل ذی‌نفعی می‌خواهند به اهدافشان برسند. این افراد نیز پیروزی و موفقیت را در تقویت ارتباطات و عوامل ذی‌نفعی و قدرتمند می‌دانند و اگر کسی از چنین پشتوانه‌ای برخوردار نبود، به طور طبیعی او نمی‌تواند به پیروزی و موفقیت در رسیدن به اهداف مطلوب خود نائل گردد. این دیدگاه نیز عقلی و منطقی نیست و آموزه‌های دینی هم آن را تأیید نمی‌کنند.

۳- صبر و حوصله زیاد

گزیده صحیح این استت که انسان شخصیت و استعدادهای مکتوم درونی خود را بشناسد و باندک که در نظام علل و اسباب جهان، از همه اسباب بهتر همان اسبابی است که همراه وجود خود ما است. خداوند هر موجودی را که آفریده، او را مجهز ساخته به استعدادها و توانمندی‌های خود شخصیت او است و این مطلب اختصاص به انسان هم ندارد. همه موجودات در داخل وجود خود مجهزند به تجهیزاتی که همانا وسیله سعادت آنها می‌باشند.

یکی از مهم‌ترین عواملی که در پیروزی و توفیق انسان دخالت زیادی دارد و منسّرط موفقیت در کارها به حساب می‌آید، صبر و حوصله زیاد است. کم‌صبری و بی‌حوصلگی مانع است که انسان در یک کار مفید که متناسب با استعداد او است مداومت کند، همه کارها را ناقص می‌گذارد، و دل‌مانا از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و در نتیجه هیچ کاری را به طور کامل انجام نمی‌دهد. بسیاری افراد بااستعداد و اهل نبوغ به خاطر کم‌صبری و بی‌حوصلگی هیچ کاری را به طور کامل انجام نمی‌دهند و توفیقاتی را به دست نمی‌آورند در حالی که افراد ضعیف و متوسط از نظر استعداد و نبوغ، در اثر صبر و حوصله زیاد و مداومت در کار به موفقیت و پیروزی‌های شگرفی دست می‌یابند. بنابراین با صبر و استقامت و حوصله زیاد می‌تواندترین افراد هم ولو در یک زمان طولانی بی‌هدف خواهند رسید. همان‌طور که امام علی(ع) فرمود: آدم با حوصله ظفر را به چنگ خواهد آورد ولو بعد از یک زمان طولانی.(هیچ‌البلاغ- حکمت ۱۵۳)

۱- مقامات معنوی، محسن بنیاره، ج ۲، ص ۱

سلوک عارفانه

لازمه سلوک، میان‌ه‌روی و استقامت است

لازمه سلوک میان‌ه‌روی است، سالک اگر در راه حق از اعتدال خارج گردد، خروج او از اعتدال سبب انحراف و دوری او از حق است. آن سالکی که در امور خود اعتدال را رعایت می‌نماید، (در واقع) او در طریق حق استقامت می‌ورزد و مصداق آیه شریفه: «فاستقیموا الی» در بندگی خدا استقامت داشته باشید.^(فصلت- ۶)

۱- مقامات معنوی، محسن بنیاره، ج ۲، ص ۱

صفحه معارف روزهای شنبه، یک‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir